

# پاکدامنی زن، آرامش روانی مرد، چالش‌ها و پیامدها



سیده فاطمه کاملی\*

## چکیده

این مقاله ضمن بیان معنا و مفهوم عفت و امنیت و نیز تبیین تأثیر پاکدامنی بر امنیت روانی فرد از دیدگاه روان‌شناسان غربی، به تشریح ارتباط اغتشاش حریم‌های جنسیتی و اختلال امنیت روانی فرد و جامعه و همچنین پیامدهای این مسئله می‌پردازد.

از جمله پیامدهای منفی بی‌عفتی در جوامع، احساس بی‌هویتی، گرایش به نهلیم و پوزیتویسم، اضطراب درونی، بلوغ زودرس نوجوانان، خشونت‌های جنسی، بالا رفتن میزان طلاق، غفلت از یاد خدا و نزول بلاهای آسمانی است. در مقابل، افزایش اطمینان مرد به زن، جلوگیری از انحراف مرد و افزایش محبت در کانون خانواده از پیامدهای مثبت پاکدامنی زن به شمار می‌روند.

**کلیدواژه‌ها:** عفاف، امنیت، پیامد، زن، مرد، فرد، جامعه، روان.

## مقدمه

امنیت فردی و اجتماعی در جوامع غربی و شرقی و دینی و غیردینی به میزان قابل توجهی مرهون پاکدامنی زن است. همان‌گونه که هویت ارزشی عفاف و حجاب در یک جامعه می‌تواند زمینه‌ساز سلامت فردی و اجتماعی آن جامعه شود، بی‌هویتی در این مسئله پیامدها و آثار مخرب فراوانی به دنبال دارد که ایجاد اختلال در شخصیت فردی یا اجتماعی مردان در گستره وسیعی از ساحت وجودی آنان از جمله آنها به شمار می‌رود. پردازش به این مسئله هر چند دارای سابقه تحقیقی و تدوینی است، اما به لحاظ اهمیت این موضوع و ضرورت ترویج آن، مقاله حاضر با قلم و نگارش دیگر و با تأکید بر نظرگاه‌های روان‌شناسان غربی، به آن می‌پردازد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## مفهوم‌شناسی

### الف. عفت

واژه «پاکدامنی» به معنای پاکي، عفت و عفاف است (معین، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۶۹) و کنایه از آدم نجیب و پارساست (عمید، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۰۲). شخص پاکدامن به کسی اطلاق می‌شود که عفیف و پاک‌جامه و خشک‌دامن باشد (معین، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۶۹). در مفردات راغب واژه «عفت» این‌طور معنا شده است: «العفة حصول حالة للنفس تمتنع بها عن غلبة الشهوة» (راغب اصفهانی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۱۸): عفت یکی از حالاتی است برای نفس و جان آدمی که به وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت جلوگیری می‌شود.

واژه «عفت» در احادیثی که از اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده است، زیاد به چشم

می‌خورد. از نگاه معصومان علیهم‌السلام عفت جنبه‌های گوناگونی دارد. آنها عفت را علاوه بر «فرج»، به عفت زبان، چشم، لب، اندیشه و فکر نیز تعمیم داده‌اند. از دیدگاه آنان، شخص عقیف کسی است که آثار عفت و پاکدامنی در اعضا و جوارح، رفتار و کردار و خلاصه در تمام شئون زندگی‌اش حکمفرما باشد (جمعی از دوشیزگان و بانوان، ۱۳۵۶، ص ۱۴۲).

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «هیچ بندگی و عبادتی در پیشگاه الهی با فضیلت‌تر از پاکدامنی شکم و فرج نیست» (کلینی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۲۶).

امام صادق علیه‌السلام نیز از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کردند: «بهترین عبادت عفت است» (همان، ص ۱۲۵).

بنابراین، عفت و پاکدامنی نیرویی است که انسان را قادر می‌سازد تا در برابر گناهان و خطاها، خویشتندار باشد و با آزاده‌ای قوی و راسخ به سوی رشد و تعالی و پاکی روح و روان و در نهایت، رضایت حق تعالی گام بردارد.

### ب. امنیّت

واژه «امنیت» به معنای ایمن شدن، در امان بودن (معین، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۵۴)، بی‌ترسی، آرامش و آسودگی است (عمید، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷۵) و وقتی با واژه «روان» همراه گردد، به معنای آسودگی و آرامش روح و روان به کار برده می‌شود، به گونه‌ای که شخص از نظر روحی و روانی در وضعیت آرام و بدون هیچ ترس و بیم و اضطرابی قرار می‌گیرد و در برابر نافرجامی‌های شخصی، خانوادگی، محیطی و اجتماعی و اقتصادی، مانند سلامت و معاش زندگی، دارای اطمینان خاطر می‌باشد (شاپان مهر، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۳).

فردی که دارای امنیت روانی است، هیچ‌گونه ترس و اضطراب و هراسی در او راه ندارد و این حالت سبب می‌شود همواره در سختی‌ها و مشکلات زندگی ثابت قدم و با اعتماد به نفس و آرامش کافی به زندگی ادامه دهد (سلطانی، ۱۳۶۴، ج ۱ و ۲، صص ۱۹ و ۱۹۸).

به دیگر سخن، امنیت روانی به معنای احساس آرامش درونی در ارتباط با دیگران است و هنگامی که فرد این احساس را در خود نبیند، دچار اضطراب و بیم و هراس می‌شود، به حدی که گاهی در خانه نیز احساس امنیت نمی‌کند و نسبت به خود هم دچار عدم ایمنی می‌شود (بی‌نام، ۱۳۷۳، صص ۷۳-۷۴).

امینت - چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی - در متون دینی ما نیز مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم آن را یکی از دستاوردها و به نوعی ارمغان تشکیل حکومت دینی و الهی به شمار آورده است و به تمامی مؤمنان و مظلومان و ستم‌دیدگان، برخوردار از آن را با ظهور منجی در آخرالزمان نوید داده است: «خداوند به کسانی که ایمان آورده، عمل صالح انجام داده‌اند، وعده فرمود که آنها را در زمین خلافت دهد و... پس از خوف و هراس از دشمن به آنها ایمنی و امنیت کامل عطا فرماید...» (نور: ۵۵).

بنابراین، آرامش روحی و روانی از لوازم مهم زندگی بشری است که بدون آن ادامه مسیر زندگی میسر نیست. نداشتن ترس و دلهره سبب می‌شود انسان با فراغت خاطر بیشتری به فعالیت‌های خود در محیط اجتماعی و حتی محدوده خصوصی و درونی خویش بپردازد و به سوی موفقیت و کمال مادی و معنوی قدم بردارد.

## دیدگاه روان‌شناسان غربی

یکی از مؤثرترین عوامل امنیت روانی مرد، پاکدامنی و عفت همسر اوست، چنان‌که خداوند در سوره کریمه روم می‌فرماید: «یکی از آیات لطف الهی این است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید تا در بر او آرامش یافته و با هم انس گیرید...» (روم: ۲۲).

زن به دلیل برخورداری از عواطف زیاد و روحیه لطیف، می‌تواند همواره آرامش‌بخش روح خسته از ناملایمات و سختی‌های محیط کاری و اجتماعی مرد باشد. حال اگر زنی از این وظیفه مهم خویش سر باز زند و به دنبال هوسرانی و عیاشی خود باشد و کانون خانوادگی را فدای جلوه‌گری و هوس‌بازی‌های خود نماید، نه تنها به همسر و فرزندان خود، بلکه به اجتماع نیز خیانت کرده است. متأسفانه در جهان امروز، هویت ارزشمندی زن دستخوش تطوّر و تقلّب و دگرپرسی شده است و مفاهیم معنای خود را از دست داده‌اند. اگر زنی ارزش را در تبرّج و تظاهرات جنسی دیده و با خودنمایی اندام خود را در معابر و محافل در معرض دید اجنبی قرار دهد، این مطلب به عنوان یک «خیانت» به امنیت روانی همسر او تلقی خواهد شد (مشایخی، ۱۳۵۲، ص ۸۳-۸۴ / مکارم شیرازی، [بی‌تا]، ج ۱۴، ص ۴۴۶).

اختلال در عفت عمومی جامعه که خاستگاهی جز مخدوش شدن رکن قویم عفاف زن ندارد و این ضایعه، نه تنها در خانواده (یعنی سلول بنیادی اجتماع) و نه تنها در جامعه (یعنی عرصه ظهور روابط اجتماعی و شکوفایی استعداد‌های انسان‌ها) تأثیر منفی دارد که حتی سبب می‌شود آثار وضعی بی‌بندوباری در ذرات کائنات نیز تأثیر نماید. یکی از گناهانی که سبب می‌شود باطن ناهویدای

عالم و ذرات بنیادین جهان به تلاطم و به خشم و خروش افتند، شهوت‌رانی و بی‌عفتی است؛ به تعبیر دیگر ناامنی روانی خانواده و اجتماع و غسل بی‌عفتی و شهوت‌رانی سبب از هم فروپاشی نعمات و برکات تکوینی می‌شود و موجبات نزول بلیات را نیز فراهم می‌نماید؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «ارادة الهی زمانی بر هلاکت قومی تعلق می‌گیرد که شهوت‌پرستان در راه هوسرانی‌های خود به گناه و فسق و فجور مشغول شوند و اجتماع را به فساد و تباهی بکشانند».

دشمن بشریت از همان ابتدا تلاش کرده تا نسل سالم را از جوامع انسانی بگیرد و در این راه از هیچ کوششی فروگذاری نکرده است. متفکران - به اصطلاح - روشنفکر آنان، همواره با الفاظ عوام‌فریبانه، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده‌اند و حتی نظریات و مکاتبی را نیز به جهان تحمیل نموده‌اند.

اینان سعی دارند روح غیرت و مردانگی را در مردان و عفت و حیا و پاکدامنی را در زنان از بین ببرند؛ جوانان را به فساد بکشانند و آنان را به هم مشغول سازند تا از این رهگذر به مطامع شومشان برسند. برخی مفسران در تفسیر آیه ۴ سوره قصص بر این عقیده‌اند که مراد از کشتن مردان، یعنی از بین بردن روح غیرت و مردانگی و زنده نگه داشتن زنان، یعنی آزاد گذاشتن آنها برای گسترش بی‌بندوباری و ترویج فحشا تا به این وسیله، فرعون بتواند به حکومت استبدادی خود بر آنان ادامه دهد. جمله «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» در آخر آیه نیز به نوعی می‌تواند مؤید این مطلب باشد (مکارم شیرازی، [بی‌تا]، ج ۱۶، ص ۱۴ و ۲۰).

زنی که باید با تدبیر و نیروی فطری عاطفه و محبت خویش، کانون پر از مهر و عطوفت و صفا و صمیمیت را برای شوهر و فرزندان خود مهیا نماید و محیطی سرشار از آرامش و آسودگی خاطر فراهم آورد، به عنصری ضد آرامش و

آسایش و برهم زنده‌امنیت فکری و روانی خانواده و به دنبال آن اجتماع تبدیل می‌شود؛ جامعه‌ای که آرامش فکری و روحی و روانی مناسبی نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند در زمینه علم و صنعت و تکنولوژی به استقلال و رشد و بالندگی دست یابد.

منتسکیو، حقوقدان و دانشمند نامدار فرانسوی، درباره تأثیر مخرب مخدوش شدن عنصر عفاف در امنیت روانی می‌گوید: «از دست رفتن عفت زنان به قدری تأثیرات بد و معایب و نواقص تولید می‌کند و روح مردم را فاسد می‌سازد که اگر کشوری دچار آن شود، بدبختی زیادی از آن ناشی می‌گردد؛ به همین جهت، قانونگذاران با وجدان، همواره عفت را به زنان توصیه می‌کنند و از آنها وقار و رعایت موازین اخلاقی را توقع دارند (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۸).

پر واضح است که وقتی زنان به شوهرانشان وفادار بمانند، همسرانشان نیز این وفاداری را به حد بالاتری به آنها نشان خواهند داد (مشایخی، ۱۳۵۲، اقتباس)؛ بنابراین بیهوده نیست اگر بگوییم تأثیر پاکدامنی زن بر مرد از هر داروی آرام‌بخشی بیشتر و بادوام‌تر خواهد بود. پاکدامنی زن موجب می‌شود او، همواره مورد تحسین و تمنای مرد پاک‌طینت قرار گیرد.

رعایت عفت و پاکدامنی و داشتن حیا در زن، به عنوان اصلی انکارناپذیر در تمامی ادیان و فرهنگ‌های متمدن پیش از اسلام وجود داشته است و متفکران و جامعه‌شناسان متعهد، همواره بر وجود حریمی در روابط زن و مرد پای می‌فشرده‌اند (محمدی‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۱۸۰-۱۸۷).

دانشمندان در خصوص علت حجاب و خویشتنداری زنان در برابر مردان، اختلاف نظر دارند. برخی همچون فروید و راسل منشأ حیا و عفت را عواملی

مانند: مالکیت مرد نسبت به زن، حس حسادت مردان (غیرت) و اطمینان از پدري خویش و نیاز اقتصادی و عاطفی زن به مرد می‌دانند و معتقدند در دنیای کنونی، این عوامل از میان رفته است و دیگر عفت و حیا جایی برای جولان ندارد (مطهری، [بی‌تا]، ص ۲۳-۲۵).

نظریات چنین دانشمندانی در عصری که زن نسبت به حقوق خویش آگاهی پیدا کرده بود، مورد توجه فراوان قرار گرفت؛ یعنی زمانی که فریاد حمایت از حقوق زنان و به دنبال آن مباحث تساوی مرد و زن، چند شوهری، آزادی زنان و حضور اجتماعی آنان بلند شده بود. به دنبال چنین نظریاتی، دنیای غرب دچار تحولات غم‌انگیزی گردید که آثار آن در هر عصری اسف‌بارتر از عصر پیش از خود بوده است.

در مقابل، دانشمندانی مانند میلتن و منتسکیو بر این باورند که حیا و پاکدامنی یک نیروی فطری و طبیعی در زن است که او را وادار می‌کند همواره خود را از مردان بپوشاند و بر شهوت خویش غلبه نماید. اینان معتقدند آنچه به زن ارزش می‌دهد، همان خویشتنداری و رعایت عفاف و پوشیدگی است؛ و حجاب اوست که او را همواره مطلوب مرد قرار می‌دهد. به گفته ویل دورانت، «آنچه را بجویم و نیابیم، عزیز و گرانبها می‌گردد»؛ حتی برتراند راسل هم اذعان می‌دارد: «از لحاظ هنر مایه تأسف است که به آسانی به زن بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار گردد، بدون آنکه غیر ممکن باشد» (محمدی‌نیا، ۱۳۷۹؛ ص ۱۷۳).

روان‌شناسان نیز تأکید کرده‌اند که زنان بیش از مردان به حفظ پاکدامنی خویش اهمیت می‌دهند و در مواردی تا پای جان برای حفظ عفت خود تلاش



می‌کنند. در گذشته، در جامعه‌ای که خودکشی میان زنان رواج پیدا کرده بود، دولت مردان برای جلوگیری از این معضل دستور دادند اجساد این زنان را عریان در کوچه و بازار بگردانند تا بدین وسیله از میزان خودکشی آنان بکاهند (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۱).

از آن رو که تاریخ بشریت به دلیل عدم تقید و تعبد به ارزش‌های بنیادین در طول تاریخ خود دارای تناقض‌های عجیبی شده است، امروزه در سیاستگذاری خرد و کلان جهانی گاهی خودداری زن در برابر خواسته نامشروع مردی غیر همسرش را نوعی توهین به حقوق اجتماعی آن مرد نشان می‌دهند! همچنین در پی برنامه‌ای از پیش طراحی شده، روحیه غیرت مردان را نوعی خودخواهی و انحصارطلبی و نقض حقوق زنان می‌شمارند و با ایجاد امواج فمینیستی سعی می‌کنند وجود زن را بیش از پیش به استثمار خود درآورند.

در هر حال، پوشیدگی و عفاف زنان، به اقرار بعضی از دانشمندان غربی، هنوز هم نیرویی ذاتی و خدادادی محسوب می‌شود که خالق یکتا برای حفظ سلامت روانی جوامع، امنیت اجتماعی زنان، افزایش پیوند خانوادگی، ایجاد نسلی سالم و هزاران دلیل دیگر، آن را در نهاد زن قرار داده است تا جامعه از آفات به دور ماند و همگان در مسیر رشد و تعالی انسانیت حرکت کنند.

در علم روان‌شناسی ثابت شده است که سلامت روان، وامدار امنیت روانی است و امنیت روانی با شخصیت فردی ارتباط دارد. هرگونه اختلال شخصیت، موجب اختلال در امنیت روان فرد می‌شود. تغذیه سالم همراه با محبت مادر در دوران شیرخوارگی و برخورد مناسب عاطفی والدین، همسالان و معلمان در دوران کودکی و عدم تعارض بین رفتار والدین و مدرسه در تربیت کودک و نیز

واکنش‌های محیطی و اجتماعی و مسائل شغلی و ازدواج فرد در مراحل بعدی زندگی می‌تواند در شکل‌گیری سالم شخصیت او و به دنبال آن، ایجاد امنیت روانی مؤثر باشد.

رعایت موازین اخلاقی و جنسی و مشخص بودن حریم روابط زن و مرد از مهم‌ترین عناصر تأمین‌کننده سلامت و امنیت روان است. اسلام بر رعایت این حریم و حفظ عفت و پاکدامنی تأکید فراوان داشته است و پاسداران عفت را وعده پاداش و متجاوزان را وعده عذاب داده است. قرآن کریم به منظور حفظ امنیت و سلامت جان و روان، بر حفظ عفاف تأکید فراوان نموده است (نور: ۳۳).

در اسلام برای حفظ عفت فردی و اجتماعی دستوراتی وارد شده است؛ از جمله: روزه گرفتن، زیاد قرآن خواندن، کار و فعالیت و به رو نخواستن؛ همچنین برای عقیقان اجر و پاداش فراوان وعده داده شده است تا به این ترتیب بتوانند بر امیال خویش غلبه نمایند: «اجر مجاهدی که در راه خدا شهید شده است از پاداش کسی که قدرت بر گناه داشته، اما پاکدامنی ورزیده، بیشتر نیست؛ زیرا پاکدامن نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان الهی گردد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴). تمامی این توصیه‌ها و سخت‌گیری‌ها برای این است که انسان بتواند با خاطری آسوده، به فعالیت‌های خود بپردازد و از مسیر کمال و قرب الهی باز نماند.

### اغتشاش حریم‌های جنسیتی و اختلال در امنیت فردی و اجتماعی

امنیت مهم‌ترین و نخستین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است؛ به همین دلیل ذوالقرنین برای فراهم کردن آن نسبت به قومی که مورد هجوم و تهدید قرار گرفته بودند، یکی از پررحمت‌ترین کارها را بر عهده گرفت و محکم‌ترین سدها را بنا کرد و از آن در برابر تهاجم دشمن استفاده کرد (کسف: ۹۴-۹۵) و نیز به همین

دلیل ابراهیم خلیل علیه السلام نخستین چیزی که در هنگام بنای خانه خدا، از پروردگار یکتا تقاضا کرد، نعمت امنیت بود (ابراهیم: ۳۵).

بی‌حجابی و عدم حفظ حریم‌های جنسیتی سبب خدشه در آسایش فرد و جامعه می‌شود. در اینجا به برخی از آثار بی‌حجابی اشاره می‌نماییم:

### ۱. ایجاد عقده‌های روانی

از نظر روان‌شناسی، نگاه، بیشترین تأثیر را در ایجاد رغبت و انگیزه‌های تمایلی می‌گذارد و تعادل روحی فرد را مخدوش می‌نماید. در هر حال، واقعیت آن است که بیماری‌های روانی در کشورهای غربی بسیار بیشتر از کشورهای آسیایی است که افراد آن، حریم عفت و حیا را رعایت می‌کنند (پریور، ۱۳۵۴، ص ۷۰)؛ زیرا شکسته شدن حریم‌های جنسیتی و سرکوب امیال جنسی سبب ایجاد سرخوردگی‌های روحی می‌شود و زمینه‌های فروخورده روانی را فراهم می‌کند.

### ۲. احساس بی‌هویتی و گرایش به نهلیسم و پوزیتویسم

فردی که به گوهر گرانبهای جنسیت و عفاف و مناسبات آن بی‌توجهی می‌کند، از لحاظ روانی، خود را بیشتر در معرض بی‌هویتی قرار می‌دهد و زیرساخت لایه‌های گرایش به مکاتب فلسفی پوچ‌گرا مثل نهلیسم و پوزیتویسم را در خود فراهم می‌نماید.

چنین افرادی وقتی خود را مطرود توجهات جنسی می‌یابند، احساس تنهایی می‌کنند و وجود خویش را بی‌ارزش و پوچ انگاشته، از نظر روحی و روانی دچار انواع بیماری‌ها و افسردگی‌ها می‌گردند تا جایی که ممکن است در اثر عدم تعادل روحی و روانی که نتیجه احساس پوچی است، دست به خودکشی بزنند.

### ۳. اضطراب درونی از افشای راز بی‌عفتی و تباهی شخصیت

این افراد به صورت مدام در حالت اضطراب و ترس درونی به سر می‌برند؛ از این رو دارای شخصیتی متزلزل و کم‌اعتماد هستند و در ضمیر ناخودآگاهشان ترس‌های ناشناخته و آسیب‌هایی عمیق به وجود می‌آید.

### ۴. ایجاد زمینه خشونت جنسی

بر اساس تحقیقات به عمل آمده و آمار منتشر شده، انواع جلوه‌های دلفریبی و تظاهرات جنسی و آراستگی و بی‌حجابی زنان، آنان را بیشتر در معرض خشونت جنسی و آزار قرار می‌دهد.

به گزارش دادگستری آمریکا، در سال ۱۹۸۵ از هر سیزده خانواده، یک خانواده مورد دزدی و سرقت قرار گرفته یا یکی از اعضای آن قربانی جنایت خشونت‌آمیز شده است.

در هر حال، بی‌حجابی زنان، مردان را دچار ناآرامی روحی و روانی می‌کند و ایشان را در یک التهاب دائمی قرار می‌دهد؛ بنابراین برهنگی زنان در جامعه، در مردان و جوانانی که توانایی ازدواج ندارند، نوعی تحریک دائم‌گیرنده ایجاد می‌کند و اگر خوددار نباشند، به خودارضایی دست می‌زنند و در نتیجه، دچار ناهنجاری‌های روانی و بیماری‌های عصبی و جسمی می‌شوند و عده‌ای نیز پافراتر نهاده، با هم‌جنس‌گرایی و روابط نامشروع سعی می‌کنند شعله‌های فروزان این میل آتشین را فرو بنشانند (مظاهری، ۱۳۷۴، ص ۱۶۸ / مشایخی، ۱۳۵۲، ص ۶۳-۶۴ / مکارم شیرازی، [بی‌تا]، ج ۱۴، ص ۴۴۳) و یا اینکه با خشونت جنسی به آزار و اذیت زنان و دختران بپردازند.

### ۵. تزلزل خانواده‌ها و افزایش طلاق

یکی از تخریب‌های اجتماعی بی‌عفتی و بی‌حجابی، سست نمودن بنیان خانواده‌هاست. کم رنگ شدن روابط خانوادگی میان زن و شوهر و دلسرد شدن آنها از یکدیگر و بروز اختلافات و به دنبال آن طلاق و جدایی. امنیت اجتماعی جامعه را در معرض آسیب قرار می‌دهد. افزایش تنش‌های خانوادگی و جدایی زوجها و بر جا ماندن بچه‌های طلاق و تأثیرات زیان‌بار آن بر سلامت روحی فرزندان به حدی است که هر انسان باوجدانی را به فکر وامی‌دارد (محمدی‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۱۰۷).

### ۶. بلوغ زودرس جنسی در جوانان

امروزه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از دلایل پایین آمدن سن بلوغ جنسی در دختران و پسران، ارتباط دایم با صحنه‌های تحریک‌کننده جنسی است. از زیان‌ها و آسیب‌های بلوغ زودرس در دختران و پسران می‌توان بروز اختلالاتی در دستگاه زایش و سایر اعضای بدن را نام برد که به دنبال آن، موجب پدید آمدن نسلی ناسالم و بیمار در جامعه می‌شود.

### ۷. بدآموزی

اصولاً فرزندان از رفتار و کردار بزرگان خود درس می‌گیرند و در بسیاری از کارها از آنان تقلید می‌کنند. در جامعه‌ای که بی‌عفتی رواج یافته باشد، کودکان ناخودآگاه از آن به عنوان الگو استفاده می‌کنند و این‌گونه شخصیت‌شان شکل می‌یابد. بدین‌سان، نسلی بی‌بندوبار در جامعه رشد پیدا می‌کند که آثار آن را در جوامع غربی می‌بینیم.

### ۸. فرزندان نامشروع و افزایش سقط جنین

در جامعه‌ای که بی‌بندوباری به عنوان فرهنگ و از امور طبیعی محسوب شود و در روابط مردان و زنان هیچ حریمی نباشد، سقط جنین و ایجاد فرزندان نامشروع افزایش می‌یابد.

در آمریکا، به نقل از مرکز ملی آمار بهداشتی این کشور، از هر پنج کودک، بیش از یکی نامشروع و توسط زنان مجرد متولد می‌شوند و این مسئله حتی به سطح دختران کمتر از ۲۰ سال هم رسیده است (همان، ص ۱۰۸).

از نظر اسلامی و دینی، سقط جنین به عنوان قتل نفس، گناه شمرده می‌شود (اسرا: ۳۳ / ماده: ۳۲)؛ همچنین از نگاه روان‌شناسی، فرزندان نامشروع بیش از سایرین در معرض سقوط در ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل قتل، خشونت و انواع جرایم قرار دارند؛ زیرا چنین فرزندان به دلیل فقدان محبت و سپرده شدن به پرورشگاه‌ها به انسان‌هایی خشن و بدون عاطفه تبدیل می‌شوند و افزایش جنین افرادی جامعه را به جامعه حیوانی تبدیل می‌کند که توأم با خشونت و زد و خورد و برتری قوی بر ضعیف است (مکارم شیرازی، [بی‌تا]، ج ۱۲، ص ۱۰۳-۱۰۴).

### ۹. ایجاد غفلت

یکی از آثار شوم بی‌عفتی، به‌ویژه در جامعه دینی، ایجاد غفلت از یاد خداست. چنانچه مردان و زنان حریم الهی را بشکنند و به هم مشغول گردند، به تدریج یاد خدا از دل‌هایشان بیرون می‌رود و عبادت الهی در آنها کم رنگ می‌شود و نسبت به حضور خداوند در زندگی خویش ناپینا می‌گردند؛ زیرا:

حقیقت سرایی است آراسته هوا و هوس گرد برخاسته  
ببینی که هر جا که برخاست گرد نبیند نظر گرچه بیناست مرد

ملتی که عبادت و یاد خدا را فراموش کنند، مستوجب عذاب الهی خواهند بود (طه: ۱۲۴-۱۲۶)؛ بنابراین افراد بی‌بندوبار با تضييع حقوق سایر شهروندان، امنیت جامعه را به خطر می‌اندازند.

با توجه به آسیب‌های فردی و اجتماعی بی‌عفتی، نتیجه می‌گیریم که هر انسان عاقلی اگر لحظه‌ای تأمل نماید، حاضر نمی‌شود برای خوشی و لذت زودگذر، خود و جامعه خویش را در معرض چنین خطرهای جبران‌ناپذیری قرار دهد و هیچ فرد با ایمانی قبول نمی‌کند بدین وسیله، موجب خشم و غضب الهی گردد و دنیا و آخرت خویش و سایر هم‌کیشان خود را به تباهی کشاند و بار سنگین گناه خود و سایر افرادی را که از او الگو گرفته‌اند، تا قیامت بر دوش بکشد (صافات: ۳۳).

بنابراین، مردان ما باید غیرت و مردانگی را سرلوحه خویش قرار دهند و زنان ما با حیا و عفت در عرصه‌های اجتماعی حاضر شوند؛ زیرا با این شیوه است که می‌توانند با آسودگی خاطر و آرامش فکری و روحی به اهداف بلند انسانی دست یابند و الگویی برای رشد و پیشرفت و موفقیت مادی و معنوی دیگران گردند.

### **پیامدهای مثبت فردی و اجتماعی حجاب و پاکدامنی**

انسان به طور فطری و غریزی برای رسیدن به آرامش جسمی و روحی و توانایی بر حل مشکلات زندگی به ازدواج نیازمند است. به گفته روان‌شناسان، ازدواج امری است که با آن آرامش و امنیت زن و مرد و به دنبال آن، امنیت اجتماع فراهم می‌شود و بسیاری از ناهنجاری‌های روحی و رفتاری از طریق آن درمان می‌گردد (محلوجی، ۱۳۷۰، ص ۱۲)؛ ولی همین ازدواج در صورتی که زن در معرض لغزش و بی‌عفتی بوده و با بی‌حجابی و بی‌عفتی به همسر خود خیانت کند، به

کانونی از عذاب و آتش تبدیل می‌شود.

«باید شریک زندگی، فردی امین و مورد اعتماد، راستگو راز نگه‌دار، درستکار، پرهیزگار، مهربان و دلسوز باشد تا بتوان مشکلات زندگی را با او در میان گذاشت و از مهربانی‌های او بهره‌مند گردید» (بی‌نام، ۱۳۷۳، ص ۲۲).

اگر مرد و زنی شریک زندگی خود را فاقد چنین ویژگی‌هایی بیابند، علاوه بر اینکه خود دچار آشفتگی‌های روحی و روانی می‌شوند، به دلیل ارتباطشان با جامعه، سلامت و امنیت اجتماع را نیز به مخاطره می‌اندازند. مردی که به زن خویش بدگمان می‌شود و او را وفادار به خویش نمی‌داند، هیچ‌گاه نمی‌تواند او را پناهگاهی برای حوادث تلخ زندگی به شمار آورد.

در مقابل، عفت و پاکدامنی به واسطه یک سری تأثیرات مثبتی که بر مرد می‌گذارد، موجب آسودگی و آرامش خاطر او می‌شود. در ذیل به برخی از این تأثیرات اشاره می‌گردد:

#### ۱. از بین رفتن سوء ظن و افزایش اطمینان مرد به زن

مرد خود را مسئول حفاظت از حیثیت خانوادگی می‌داند و با تن دادن به هر بلا و مصیبتی سعی می‌کند از حریم خانوادگی خود دفاع نماید. (قائم، ۱۳۶۸، ص ۲۴۹)

حال اگر زنی به این احساس مرد اعتنایی نکند و در برخورد با نامحرم حریم عفاف را رعایت ننماید و وجودش را که باید از آن همسر قانونی‌اش باشد، در اختیار مردان دیگر بگذارد و روابطی آزاد با آنان برقرار نماید، آرامش مرد را برهم می‌زند و او را نسبت به خود بدگمان می‌سازد؛ زیرا تصور



خیانت زن هیچ‌گاه مرد را راحت نمی‌گذارد و مدام او را در تشویش و اضطراب قرار می‌دهد و گاهی نیز مرد را به جنایاتی نظیر قتل مرد بیگانه و همسر خویش وادار می‌سازد.

اگر زنان تمایلات و نفسانیات خویش را مهار نمایند و موازین اخلاقی و شرعی را رعایت کنند و ساده‌لوحانه اسیر هوس مردان دیگر نگردند و برای احساسات و عشق پاک همسر خویش احترام قایل باشند، هیچ‌گاه مورد سوءظن و اتهام قرار نخواهند گرفت و زندگی را برای خود و همسر خویش تلخ نخواهند ساخت (مشایخی، ۱۳۵۲، ص ۸۶-۸۷ / قائمی، همان / رشیدپور، ۱۳۷۸، ص ۱۸۶-۱۹۱).

## ۲. ال‌زایش محبت و صمیمیت

رعایت عفاف زن با محبت و علاقه همسرش رابطه مستقیم دارد. مردی که زنش را وفادار بداند و اطمینان داشته باشد که در غیابش به او خیانت نمی‌ورزد و حریم حیا و پاکدامنی را مراعات می‌نماید، هرگز مهر و محبت خویش را از او دریغ نمی‌دارد، بلکه با تمام وجود عشق خود را نتارش می‌سازد. وقتی روح مرد و زن این‌گونه به هم گره خورده باشد، در ایام پیری که دیگر غریزه، در نزدیک ساختن آنها به هم قدرتی ندارد، صمیمیت و علاقه و محبت، آنها را همچنان شیفته هم نگه می‌دارد (مطهری، [بی‌تا]، ص ۸۳).

## ۳. جلوگیری از انحراف مرد

خداوند در قرآن می‌فرماید: «زنان خبیث شایسته مردان خبیث و مردان خبیث شایسته زنان خبیث و زنان پاک ویژه مردان پاکند و مردان پاک نیز شایسته زنان

پاک می‌باشند» (نور: ۲۶)؛ بنابراین زنان بدانند اگر آنها به همسر خویش خیانت بورزند و به دنبال هوسرانی خود باشند، مردان نیز به آنها وفادار نمی‌مانند و به عشق آنها پشت پا می‌زنند. زنانی که با جلوه‌گری خود کانون خانوادگی دیگران را متزلزل می‌سازند، بدانند که روزی، زنان دیگری نیز با عشوه و ناز قلب مردان آنان را تصاحب می‌کنند (حسینی، ۱۳۶۹، ص ۲۶۴).

آری، زن با گوهر عفاف خویش می‌تواند همواره قلب مرد را از آن خود سازد و او را شیفته و مجذوب خویش نگه دارد.

#### ۴. افزایش صداقت و راستی مرد

اگر زنی با همسر خویش صادق باشد و اطمینان و اعتماد او را جلب نماید، مرد نیز هیچ‌گاه در ارتباط خود با او جز از در صداقت و راستی سخن نمی‌گوید و چیزی را از او پنهان نمی‌دارد. زمانی که مرد ببیند همسرش در عشق به او صادق است، او نیز صداقت خود را در حد بالاتری نشان خواهد داد.

#### ۵. افزایش احترام مرد به زن

زن عقیف همواره مورد احترام مرد بوده است؛ زیرا مرد معتقد است که او ارزش گوهر گرانبهای خود را می‌داند و به راحتی آن را به حراج نمی‌گذارد؛ به همین دلیل در مواقع لزوم نیز با تمام توان، از حریم او دفاع می‌نماید (مطهری، [بی‌تا]، ص ۷۸). مردی که همسرش عقیف و پاکدامن است، احساس می‌کند موجود گرانبهایی را در اختیار دارد؛ از این رو همواره او را مورد احترام و تکریم و تحسین قرار می‌دهد و سعی می‌کند او را از خود راضی و خشنود نگه دارد.

## نتیجه

مرد و زن هر کدام در کنار هم، با توجه به نیروی خدادادی، می‌توانند به آرامشی برسند. خانه‌ای که در آن حریم الهی حفظ شود و محرمات رعایت گردد، مطمئناً به کانونی دلپذیر که در آن افراد صالح پرورش می‌یابند، تبدیل خواهد شد. «مؤمن در کنار مؤمن به آرامش و سکون می‌رسد، همان طور که تشنه با رسیدن به آب گوارا به آرامش دست می‌یابد» (کلینی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۴۵).

حفظ حریم عفت و حیا در زنان تأثیر بسزایی در سلامت جامعه و رشد و پیشرفت آن دارد؛ جامعه‌ای که از خانواده‌ها شکل یافته است و زنان با حفظ عنصر عفت و به دنبال آن، ایجاد آرامش و آسودگی روحی مرد و در نتیجه آن، تلاش و فعالیت بیشتر مرد در جامعه، می‌توانند در بالندگی کشور و رسیدن به دروازه‌های خودکفایی مؤثر باشند.

زن مسلمان نشان داده است با ارج نهادن به حقوق همسر و حفظ حریم حیا و تقوا در ارتباط با دیگران، قادر است همواره قلب مرد را به انحصار خود درآورد و زیباترین و خالصانه‌ترین دلدادگی و عشق‌ها را تجربه نماید؛ عشقی که مدافعان آزادی جنسی و روابط آزاد مرد و زن نظیر آن را ندیده‌اند و طعم شیرین آن را نچشیده‌اند.

به تعبیر حضرت امام علیه السلام، دامن زنان دامن تربیت نسل است و پاکدامنی آن سبب پاکی نسل می‌شود (خمینی، [بی‌تا]، ص ۱۲۰ و ۱۲۱).

## منابع

\* قرآن کریم.

۱. جمعی از دوشیزگان و بانوان، راه‌گزیز از شوربختی، قم، الزهراء، ۱۳۵۶.
۲. بی‌نام، رشد شخصیت و بهداشت روانی، مترجم عشرت نظیری، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳.
۳. پریور، علی، ناپسامانی‌های روانی و بیماری‌های حاصل از آن، تهران، آسیا، ۱۳۵۴.
۴. حسینی، سید علی اکبر، اخلاق در خانواده، تهران، اسلامی، ۱۳۶۹.
۵. خمینی، سید روح‌الله، جایگاه زن در اندیشه امام علیه السلام، [بی‌جا]، ستاد بزرگداشت یکصدمین سال تولد امام علیه السلام، [بی‌تا].
۶. اصفهانی، راغب، مفردات راغب، مترجم سید غلام رضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، [بی‌تا].
۷. رشید پور، مجید، تعادل و استحکام خانواده، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸.
۸. سلطانی، غلام رضا، تکامل در پرتو اخلاق، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۳۶۴.
۹. شایان‌مهر، علی رضا، دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۷۷.
۱۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۱۱. قائمی، علی، خانواده و مسایل همسران جوان، تهران، امیری، ۱۳۶۸.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، [بی‌جا]، نشر فرهنگ اهل بیت، [بی‌تا].
۱۳. محلوچی، محمد، نهاد خانواده در اسلام، تهران، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۰.
۱۴. محمدی نیا، اسدالله، بهشت جوانان، قم، سبط اکبر، ۱۳۷۹.
۱۵. مشایخی، مهدی، پاسداران عفت، قم، شفق، ۱۳۵۲.
۱۶. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه قم، [بی‌تا].
۱۷. مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، قم، اخلاق، ۱۳۷۴.
۱۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، [بی‌جا]، دارالکتب اسلامی، [بی‌تا].
۲۰. مؤسسه مالی و اعتباری انصار، حجاب برتر، [بی‌جا]، مؤسسه مالی و اعتباری انصار، ۱۳۸۵.
۲۱. هاشمی رکاوندی، سید مجتبی، مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن، قم، شفق، ۱۳۷۰.